



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده هنر و معماری، گروه نقاشی
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش:

نقاشی

عنوان:

هویت زن و نقش آن در هنر دوره هخامنشیان

استاد راهنما:

جناب آقای مجیب تومیدی

استاد مشاور:

سرکار خانم نسرین عتیقه چی

پژوهشگر:

مینا (ومی)

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم به:

تقدیم به روح بلند و وجود تلاشگر محققان، دانشمندان و باستان شناسانی که مشعل فروزان علم را در دست گرفته اند تا روشن کننده ی آنچه باشند که در ظلمت و تاریکی تاریخ خفته است.

تشکر و قدردانی:

با تشکر از اساتید عزیز جناب آقای حبیب توحیدی و سرکار خانم نسرين عتیقه چی و استاد مهربانجناب آقای مهدی نژاد، که با تمام وجود در انتخاب موضوع، گردآوری منابع و نگارش رساله، پله به پله من رادست گیری و راهنمایی نمودند، و عاشقانه بوسه می زنم بر دستان پدر و مادر عزیزم، کسانی که شیره جانشان را جرعه، جرعه شربت وجودم کردند و نور چشمانشان را چراغ راه هستیم، باشد که لایق این همه فداکاری باشم.

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب مینا روحی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته نقاشی با شماره دانشجویی

۸۸۰۶۵۱۵۴۷۰۰ اعلام می نمایم که کلیه مطالب مندرج در این پایان نامه با عنوان: هویت زن و

نقش آن در هنر دوره هخامنشیان حاصل کار پژوهشی خود بوده و چنانچه دستاوردهای پژوهشی

دیگران را مورد استفاده قرار داده باشم، طبق روابط و رویه های جاری، آن را ارجاع داده و در

فهرست منابع و مآخذ ذکر نموده ام. علاوه بر آن تاکید می نماید که این پایان نامه قبلاً برای

احراز هیچ مدرک هم سطح، پایین تر یا بالاتر ارائه نشده و چنانچه در هر زمان خلاف آن ثابت

شود، بدینوسیله متعهد می شوم، در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام توسط دانشگاه، بدون

کوچکترین اعتراض آن را بپذیرم.

تاریخ و امضاء

بسمه تعالی

در تاریخ: ۹۰/۴/۲۲

از: پایان نامه خود دفاع

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای / خانم مینا روحی

نموده و یا

و با درجه

حروف هجده

۱۸

نمره

مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما:

بسمه تعالی

دانشکده هنر و معماری

(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی : تهران مرکزی	کد واحد: ۱۰۱	کد شناسایی پایان نامه : ۱۰۱۶۰۱۱۱۸۹۲۰۰۹
عنوان پایان نامه: هویت زن و نقش زن در هنر دوره هخامنشیان		
نام و نام خانوادگی دانشجو : مینا روحی	تاریخ شروع پایان نامه: ۸۹/۰۹/۲۳	تاریخ اتمام پایان نامه: ۹۰/۰۳/۲۳
شماره دانشجویی : ۸۸۰۶۵۱۵۴۷۰۰	رشته تحصیلی: نقاشی	
استاد / استادان راهنما: آقای حبیب توحیدی		
استاد / استادان مشاور: خانم نسرین عتیقه چی		
چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده) :		
<p>هویت زن و جایگاه مقدس او در باور ها و اعتقاید مردم تمام تمدن های بشری قابل بحث و بررسی است.مردم اعصار گذشته زمین را همچون مادری می دیدند،مادر ی که همچون مادر واقعی قدرت باروری،زایش وپروراندن را همراه خود داشت.اعتقاد به مونث بودن زمین جایگاه مادر را در نزد اقوام اولیه تا مقام خدایی بالا برد.در ایران نیز باور به اصل مادینه هستی وایمان به مادر خدایانی که در خلقت و اداره کردن هستی نقش مهم داشته اند باعث شد جایگاه زنان به اندازه ای با ارزش و مقدس جلوه کند که زرتشت آنهایتا را در اوستا به عنوان فرشته موکل بر آنها نام برد.اعتقاد به مونث بودن زمین و هر آنچه وابسته به زایش و باروری بود حتی در روی آثار هنری عصری چون عصر هخامنشیان جلوه می کند هنری که کاملاً در خدمت نمایش قدرت پادشاهی بود.نمایش سمبول ها ،نماد واشکال مختلف ماه و آب که وابستگی کاملی با ویژگی زنانه به خصوص قدرت زایش و زندگی بخشیدن او داشت بر روی آثار به جای مانده این عصر بسیار دیده می شوند.</p> <p>در پژوهش حاضر،ابتدا به توضیح هویت زن و نقشی که او در تکامل انسانداشته و سپس اعتقاد به اصل مادینههستی و تاثیر آن بر باورها و اسطوره پردازی اقوام مختلفی چون بین النهرین می پردازیم.آن گاه تاثیر همین باور هابر اعتقادات و هنر عصر هخامنشیمورد بحث قرار گرفته است.</p> <p>این پژوهش به روش کتابخانه ای صورت گرفته است.</p>		

نظراستادراهنما برای چاپ درپژوهش نامه دانشگاه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول: کلیات طرح	
۲	۱-۱ بیان مساله.....
۲	۲-۱ هدف های تحقیق.....
۳	۳-۱ اهمیت موضوع تحقیق و دلایل انتخاب آن.....
۳	۴-۱ سوالات یا فرضیه های تحقیق.....
۴	۵-۱ واژه های کلیدی.....
۴	۶-۱ چهارچوب نظری و پیشینه تحقیق.....
۴	۷-۱ روش تحقیق.....
۴	۸-۱ قلمرو تحقیق.....
فصل دوم: مطالعات نظری	
۵	مقدمه.....
۸	۱-۲ هویت.....
۸	۱-۱-۲ هویت چیست؟.....
۱۴	۲-۱-۲ هویت زن.....
۲۲	۲-۲ زن در تاریخ.....
۲۲	۱-۲-۲ نقش زن در تکامل انسان.....
۲۸	۲-۲-۲ نقش زن در آثار به جای مانده در تاریخ.....
۳۶	۳-۲ زن.....
۳۶	۱-۳-۲ قدرت زن.....
۴۱	۲-۳-۲ زن - اسطوره.....

۴۵ ۳-۳-۲ زن در ایران باستان
۵۶ ۴-۲ اسطوره
۵۶ ۱-۴-۲ اسطوره چیست؟
۵۸ ۲-۴-۲ زن در اساطیر بین‌النهرین
۶۳ ۳-۴-۲ اسطوره‌های ایرانی
۷۱ ۵-۲ هخامنشیان
۷۱ ۱-۵-۲ پادشاهی هخامنشیان
۸۰ ۲-۵-۲ زن در دوره هخامنشیان
۸۲ ۳-۵-۲ هنر هخامنشیان

فصل سوم: روش شناسایی تحقیق

۹۴ ۱-۳ روش تحقیق
۹۴ ۲-۳ ابزار جمع‌آوری اطلاعات
۹۴ ۳-۳ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

فصل چهارم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۹۶ ۱-۴ نتیجه‌گیری
۹۹ ۲-۴ پیشنهادات برای محققین بعدی
۱۱۴ منابع

فهرست تصاویر

صفحه	عنوان
۱۰۰	شکل ۱-۲
۱۰۱	شکل ۲-۲
۱۰۲	شکل ۳-۲
۱۰۲	شکل ۴-۲
۱۰۳	شکل ۵-۲
۱۰۴	شکل ۶-۲
۱۰۵	شکل ۷-۲
۱۰۵	شکل ۸-۲
۱۰۶	شکل ۹-۲
۱۰۷	شکل ۱۰-۲
۱۰۷	شکل ۱۱-۲
۱۰۸	شکل ۱۲-۲
۱۰۸	شکل ۱۳-۲
۱۰۹	شکل ۱۴-۲
۱۱۰	شکل ۱۵-۲
۱۱۰	شکل ۱۶-۲
۱۱۱	شکل ۱۷-۲
۱۱۲	شکل ۱۸-۲

فصل اول

کلیات طرح

۱-۱ بیان مساله تحقیق

فرهنگ و آیین و هنر ایران ایفا کرده است اکنون هویت زن ایرانی، هویت زن در طول تاریخ نقش بسیاری در زندگی چیست؟ نقش او چه تأثیری در هنر ایران به خصوص ایران دوران هخامنشیان داشته است؟

نمادها و نقش آیینی و نقش زن در اساطیر، نقش اجتماعی، پاسخ به این سوالات نیاز به مطالعه و تحقیق در رابطه با هویت آثار هنری به جای مانده از این دوره را دارد و برای رسیدن به نتایج مطلوب باید هویت او را در پیش از تاریخ و تاریخ مادر-خداهای ایرانی و... رایج در دوران هخامنشیان پرداخت. دانست و به تحلیل افسانه ها و نمادها

۲-۱ هدفهای تحقیق

جایگاه زن در آیین های متفاوت چه بوده است. زن به عنوان اصل مادینه هستی، یافتن پاسخ این سوال که هویت زن چیست چگونه و به خاطر کدام باورها مورد احترام بوده است؟ نقش او در پیشرفت انسان از حالت شکارورزی به کشاورزی چه بوده است. و از همه چیز پر اهمیت تر یافتن علت نقش مهم زن در اعتقادات و آیین و باور ها و هنر ایرانیان دوران هخامنشیان بوده است.

۳-۱ اهمیت موضوع تحقیق و دلایل انتخاب آن

آنچه مسلم است انسان از بدو خلقت در یافتن پاسخ سوال: هویت چیست؟ تنها صساله مهم برای مردمان عصر جدید نیست بوده است. زن نه تنها خود، پی یافتن علت هستی یافتن خود و نیز موقعیت او در جامعه و نقش خویش در یافتن شدن تمدن مذهب و هنر، اعتقادات، در پدید آمدن یک تمدن نقش داشته بلکه قسمت عظیم باورها، به عنوان عضوی از یک جامعه بسیاری از تمدن ها حول هویت و جنسیت ویژه او می چرخیده است. هویت و جنسیتی که خلقت هر چیز را به آن نسبت می دادند. اکنون یافتن پاسخ این سوال که زن ایرانی و کلا جنسیت ماده در تمدن عظیم هخامنشی چه اهمیتی و اصل ایده ی اجرای این رساله می باشد. جایگاه داشته است

۴-۱ سوالات یا فرضیه های تحقیق

هویت چیست و هویت زن در آیین ها و باورها و ادیان مختلف چگونه بوده است؟

جایگاه زن در پیش از تاریخ و تاریخ چه بوده است؟

نقش او در رشد و تغییر شیوه زندگی مردم بدوی چه بوده است؟

در طول تاریخ چگونه مورد توجه و تقدس بوده است؟، قدرت زایش، زن به عنوان دارنده خصوصیت

تمدن هخامنشیان چگونه شکل گرفت و تا مدت ها پایدار ماند؟

نقش آیینی زن و در واقع جنسیت ماده در ایران باستان به خصوص در دوران هخامنشیان چه بوده است؟

نقوش روی آثار به جای مانده از این دوران بیانگر توجه به کدام وجه هویتی زن است؟

۵-۱ واژه های کلیدی

مادر-خدا ها , اصل مادینه ی هستی,نقش زن در پیدایش انسان هوشمند,نقش آیینی زن ,هویت دینی زن ,,هویت زن بر روی آثاربه جای مانده ,نقوش زن و تاثیر تفکرات در باب جنسیت ماده,اساطیر و داستان واره ها و نماد های مونث , از ایران باستان به خصوص در دوران هخامنشیان.

۶-۱ روش تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه ای صورت گرفته است.

۷-۱ قلمرو تحقیق

محیط کتابخانه هاو سایت های اینترنتی

فصل دوم
مطالعات نظری

همواره مسئله یافتن هویت دغدغه‌ی همه‌ی اجتماعات و اقوام بشری بوده است. به دنبال آنچه هویت زن را در اعصار مختلف تعریف می‌کند کتاب به کتاب گذشته و رساله و مقاله‌های متعددی را مطالعه نموده و آنچه که به صورت هر چند کوتاه در این پایان‌نامه آورده شده گزیده‌ای از این مطالعات است.

در کتاب هویت زن ایرانی در گستره پیش از تاریخ و تاریخ نویسندگان شهلا لاهیجی و مهرانگیزکار درباره‌ی هویت زن در تاریخ، مطالب پر محتوا و قابل تاملی را به رشته نگارش درآورده اند که بر اساس مستندات و مکتوبات تاریخی تهیه شده‌اند. این پایان‌نامه نیز با استفاده از جمله‌ی این پیش‌طرح‌ها تهیه و تنظیم شده است.

در فصل اول این پایان‌نامه، مقوله هویت و تعریف آن از ابعاد متفاوت آن است. هویت فردی، اجتماعی و تعریف شده و آنچه در بخش دیگر این فصل بیان شده هویت زن در ادیان متفاوت به خصوص اسلام است.

در فصل دوم آنچه مدنظر گرفته شده نقش زن در تاریخ است در واقع روشن کنند نقش زنی در تاریخ است که در تکامل انسان هوشمند راست قامت مسئولیتی حیاتی داشته است.

هویت و جایگاه زن که در یافتن اولین پناهگاه‌ها، ساخت اولین سرپناه‌ها، کاشت گیاهان و از همه مهمتر پرورش افراد نابالغ از نسلی جدید را بر عهده داشتند.

در این فصل سعی شده به جایگاه مقدس زن در ادوار گذشته نگاهی داشته، از آنچه که امروز جز چندین ونوس و آثار بسیار اندک به جای مانده آثار دیگری در دست نیست، سعی شده با این آثار جایگاه هویتی و ارزشی زن در اعصار کهن بررسی شود.

در فصل دیگر این رساله قدرت نفوذ زن در افکار ادیان و آداب و هنر عصر باستان پرداخته و آن چه باعث شده زن به عنوان مادر زمین و سرمنشأ افسانه‌ها و اسطوره‌ها شود، بیان شده است. جامعه‌های که در آن زنجیره خوشایندی از طریق تبار مادر شناسایی می‌شد. ادیانی که بر پایه پرستش الهه مادرها بوده است. بزرگ مادر یا مادر کبیر که به صورت سمبولیک خود را در ذهن انسانها و به صورت اصل مادینه هستی نشان داده شده بررسی گردیده است. در بخش دیگر این فصل به آثار به دست آمده از جایگاه زن در محدوده جغرافیایی اشاره شده که ایران نامیده می‌شود، قدیم ترین آثاری که در آن پیکره زنان با اندامهای برجسته برای تاکید بر قدرت زایش و باروری بود و استقرار نظام مادر سالاری که باعث می‌شد زن به عنوان یک مادر مقامی الهی پیدا کرده و جایگاه زن و مادر چون یک مادر - خدا رفیع و مقدس می‌شود.

در فصل چهارم این پایان‌نامه آنچه بررسی شده است اسطوره هاست بعد از بخشی کوتاه که اسطوره را تعریف نموده در بخش بعد زن در اسطوره‌های بین النهرین و ایران مورد بررسی قرار گرفته، آنچه از بررسی این فصل می‌توان نتیجه گرفت این است که در ادوار کهن اسطوره‌های بین النهرین و ایران تأثیرات متقابل بر هم داشته‌اند، آنچه را می‌توان اسطوره ایرانی نامیده که هنوز نیز در اذهان عمومی مردم باقی مانده‌اند. مهمترین منبع برای یافتن اسطوره‌های ایرانی شاهنامه است. اما آنچه را که نمیتوان نادیده گرفت این است که اسطوره‌ها نیز همچون بسیاری از مسائل دیگر با گذشت زمان سیمای زنانه خود را از دست داده و تبدیل به اسطوره‌واره‌های مردانه می‌شود در فصل آخرین این پایان‌نامه اشاره‌ای هر چند کوتاه، به دولت هخامنشی و چگونگی تاسیس آن و نیز تاجداران آن اشاره و نام برده شده، در این فصل در بخش اول سعی شده به خدمات و ویژگی‌های دولت نو بنیاد هخامنشی اشاره شده است. دولتی که قانون و قانون مندی از اصول آن بود، دولتی که در آن زن و خانواده بسیار ارج نهاده می‌شد.

زنی که در این دوره زندگی می‌کرد بنا به دستورات زرتشت در اوستا بسیار مورد احترام بود. در بخش دیگر این فصل به جایگاه زن در دوره هخامنشیان پرداخته است. زنی که در این دوره به خاطر جایگاه خاصش حتی در تصاویر نیز کم دیده می‌شود. آنچه قابل بررسی و دقت است عدم وجود نقش زن در برجسته‌کاری و حجاری‌های تخت جمشید و نیز سایر آبنیه این دوره است.

در بخش هنر هخامنشی به تصاویر مربوط به زنان در آثار به جای مانده اشاره شده است. آثاری که هرچند کم است، اما می‌توان به این نتیجه رسید زن و نیروی زایشی و قدرت باروری آن با نمودهای متفاوت در تفکرات، آیینها و آثار هنری این دوره به وضوح خودنمایی می‌کند.

هنری که بر پایه بزرگداشت مقام پادشاهی بوده مقامی که هر هنر را زیر سلطه خویش داشت، اما آنچه مسلم است زن و هویت او نقش مهمی در هنر هخامنشی داشته است.

امید است این پایان نامه به عنوان برگی از برگ های تاریخ روشنگر دوره ای از تاریخ باشد که زن مقام و منزلتی همچون یک الهه داشته است، نه به صورت تصویر زن بلکه نمود و سمبول هایی مربوط به جنس مونث.

در تهیه این پایان نامه از مساعدت و همیاری اساتید عزیز بهره ای فراوان بوده و آنچه غیرقابل انکار است همراهی این عزیزان به عنوان چراغ راه و روشن کننده مقصد، بزرگترین مدد و مساعدت که بر من نموده اند.

۱-۲ هویت

۱-۱-۲ هویت چیست

هویت عبارت از افتراق و تمیزی که فرد بین خود و دیگران می گذارد. هویت یک سازه و ساختار روانی و اجتماعی است و گاه به دو جزء هویت موفقیت و هویت شکست تقسیم می شود: (اکبری، ۱۳۸۸، ۹)

هویت یعنی ذات باری تعالی- هستی، وجود. آنچه موجب شناسایی شخص باشد و بالاخره حقیقت جزئی یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص، لحاظ و اعتبار شود را هویت گویند، و هویت به معنی وجود خارجی است و مراد تشخیص است و هویت گاه با لذات و گاه باعرض است. (عمید، ۱۳۸۴، ۱۹۸۴)

هویت یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. هویت در لغت به معنی شخصیت، ذات، هستی و وجود است. (معلق، ۱۳۸۶، ۱۱۷۱)

هویت یعنی توازن میان خود و دیگران برقرار کردن و یک مرحله در چرخه زندگی است که مترادف با اصلیت است.

هویت در تقابل با فقدان نقش تبیین می شود، احساس هویت یعنی توانایی تجزیه خود را به عنوان چیزی که تداوم و یکنواختی دارد و قدرت رفتار مطابق با آن را تامین می نماید داشته باشیم. هویت، معنا مفهومی گسترده تر از شخصیت دارد. زیرا شخصیت فقط در مورد انسان به کار می رود و در حالی که هویت مفهوم عامی است و انسان و غیرانسان و از جمله شیء را شامل می شود. (شرفی، ۱۳۸۳، ۸)

اگر آدمی برای پرسشهای زیر پاسخ های مطمئن و متقاعد کننده ای بیاید. در حقیقت هویت خویش را باز یافته است.

بداند جایگاه، منزلت و مرتبت او دقیقاً چیست؟ و چه تعریفی دارد؟ 1-

آگاه باشد که چه پیوندها، رشته ها و ارتباط هایی او را به خود و جهان خارج از خود متعلق می سازد؟ 2-

درک کند که چه نقشها، وظایف و مسئولیت های در قابل خود و دیگران بر عهده دارد؟ 3-

شناخت واقع بینانه ای از توقعاتش نسبت به خود و دیگران به دست آورد. 4-

نسبت خود را به گذشته حال و آینده به درستی بداند. 5-

فرق انسان و حیوان ابتدا در نیازهای اختصاصی اوست. از این رو شناخت انسان بدون آشنایی با نیاز به تعالی- وابستگی- نیاز به هویت نیاز به رجوع به اصل و نیاز به وسایل راهیابی مسیر خواهد بود.

هر فرد مایل است هویت خاصی داشته باشد از این رو می کوشد که خویشتن را دریابد و بشناسد. در عین حال می خواهد فردی باشد «ممتاز» و برای رسیدن به این مقام خود را به شخص یا گروهی از اشخاص نسبتاً مبرز و ممتاز، مرتبط می کند یا به اصطلاح خویشتن را با آنها همانند می سازد تا به واسطه امتیازی که آن فرد یا آن گروه ها دارند تا حدی صاحب تشخص و امتیاز گردد.

به بیان دیگر هر انسانی به احساس خاص و منحصر به فرد بودن نیاز دارد و اگر نتواند این احساس را از طریق خلاقیت ایجاد کند آن را از راه همانند سازی با انسان های دیگر تحقق می بخشد. لذا هویت هر انسانی بر اساس فرصتها و امکاناتی که شرایط جامعه و فرهنگش برای او فراهم می آورند شکل می گیرد.

جسجوی هویت، همواره با سایه ای از ابهام، نگرانی و تردید همراه است انسان در صدد است تا در دنیای پر ازدحام و شدیداً متغیر معاصر، جایگاه خود را بیابد و هویتی از خویش بدست آورد. او بر آن است تا هویت مورد نظر را آن گونه که مایل هستند بوجود آورند و به این سوال پاسخ دهند که ماکسیستیم و برای چه زندگی می کنیم. چنین هویتی غالباً محصول فرهنگ، تربیت خانوادگی، گرایشها و نگرش های آنان است. او در شرایطی بعضاً به معارضه با تأثیرات فرهنگی و خانوادگی بر می خیزد و درصدد است از نو هویتی بیافریند. انسان از آن زمان که به دوران بحرانی خود یعنی نوجوانی می رسد. برای اینکه احساس هویت داشته باشد باید تداومی را در طول زمان در خود مشاهده نماید باید یکپارچگی را در خود حس کند. هرگاه فرد در دریافتن هویت خویش دچار تردید و عدم قطعیت شود دچار بحران و سردرگمی، بی هدفی و یک نوع یاس و افسردگی می شود و درعین حال به یک تصور منحنی از خود دچار می گردد که به آن بحران هویت گویند. انسان با توجه به قراین موجود، آنچه در آینده خواهد شد را در تداوم یافته های خود می یابد که در دوران طفولیت وی شکل گرفته است.

هویت یک سازه و ساختار روانی و اجتماعی است و انسان برای ساختن هویت خود با دو مسئله روبرو است: مسئله اول سازگاری با تغییرات بدنی، درونی و شناختی است، و مسئله دوم نحوه برخورد با مجموعه ای از نظام بیرونی و ارزش هاست.

هویت به طرق مختلفی شکل می گیرد اساس شکل گیری هویت، تلاش و فعالیت است که فرد دنبال می کند. ارتباط او با دیگران و ارزیابی از این روابط به شکل گیری هویت او کمک می کند. همچنین تصور فرد از وضع جسمانی در هویت او تأثیر دارد. هویت واقعی تصویری از خود است که انسان از خویشتن واقعی دارد. این تصویر از خود نیز تصویری است که عمدتاً بوسیله اطرافیان جهت دهی می شود.

بنابراین هویت واقعی می تواند شخصیت پردازی دروان کودکی باشد که اختصاص به زمان گذشته دارد.

انسان در فرآیند تحول دوره نوجوانی از مرحله ای می گذرد که در خلال آن توانایی نامحدود را به فکر خود نسبت می دهد. لذا در سر رویای آینده پیروز را می پروراند و ایجاد دگرگونی در جهان خارج را بر اساس فکر خود به صورت ذهنی ترسیم می کند و به عنوان یک عمل واقعی تغییر دهنده واقعیت فرض می کند.

شخصی که فاقد یک هویت متشکل است در خلال زندگی بزرگسالی با مشکلات متعددی مواجه خواهد شد. عدم موفقیت یک انسان در شکل دادن به هویت فردی خود اعم از اینکه بعلت تجارب نامطلوب کودکی و یا شرایط نامساعد فعلی بحران ایجاد می شود.

فردی که قادر به یافتن ارزشهای مثبت پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود نیست ایده آل هایش به هم می ریزد می توان اقسام هویت را این گونه دسته بندی کرد:

1- هویت فردی: منظور از هویت فردی، شناخت توانایی، قابلیت ها و ویژگی های رشد و تحول و نیازهای اساسی روان است. با این تعریف، هویت فردی با خودشناسی رابطه مستقیم دارد.

2- هویت شخصی: هویت نخست، هویت شخصی است یعنی اینکه هر کسانی امور را بشناسد پدرش کیست، مادرش کیست، نسبت و تبار و نژادش کدام است. در کجا به دنیا آمده و اینها همه هویت شخص است که مقداری از آن در شناسنامه ها نیز ثبت می شود.

با شناخت این هویت انسان از خصوصیات شخصی و فردی خود آگاه می شود و به خصوصیات که جهات بدنی او از آنها نشات گرفته شده است پی می برد نشان دهنده عوامل پدید آورنده وجود مادی و کیفیت و خواص بدنی انسان است که نشان دهنده شخص انسان است.

3- هویت صنفی: هویت صنفی یا شغلی و اجتماعی هویتی است که هویت فرهنگی و اعتقادی و ایدئولوژیکی نیز به همین هویت مربوط است این هویت نشان دهنده عوامل پدید آورنده شخصیت فکری و خواص انسان است این هویت نشان دهنده شخصیت انسان، شخصیت فکری و فرهنگی و شان انسانی انسان البته در ابعاد ظاهری وجود او است.

4- انسان باید این هویت خود را بشناسد تا منشاء فکر و فعل انسان معلوم شود.

هویت باطنی: هویت دیگری هویت باطنی است. انسان دارای یک هویت باطنی است که مربوط به جنبه خویشتن واقعی انسان است یعنی بعد روح انسان این هم یک هویت است که ما به آن هویت متشخص هستیم. این هویت و شناخت آن مهمترین مرحله است و اگر انسان آن را نشناسد نابالغ از دنیا می رود. هویت باطنی انسان همان جنبه ی «من امر ربی» انسان است «جهت و نفحت فیه من روحی» ویر اهمیت شناخت این هویت تاکید بسیار شده است. «من عرفه نفسه فقد عرف ربه». شناخت این هویت شناختن خود واقعی است یعنی جهت ماوراء الطبیعی وجود انسان.

هویت خانوادگی: منظور از این هویت، تعیین نسبت میان جوان و خانواده او و پیوندهای طرفین است. 6-

هویت دینی: رابطه آدمی و نحوه تعلقش با دین، هویت دینی را تشکیل می دهد که نتیجه آن احساس مسئولیت در مقابل ارزشها و باورهای دینی است. 7-

هویت ملی: منظور از هویت ملی، تکیه بر میراث گذشته و مفاخر ارزش مند و درک ویژگی ها و صفات ممیزه بیک ملت است که البته با ملی گرایی کاملاً متفاوت است، زیرا ملی گرایی غالباً در تقابل با ملت های دیگر و تفکیک منافع و مرزهای خودی از سایرین تبیین می شود. 8-

هویت فرهنگی: در تعریف فرهنگ آمده است: (مجموعه عادات، باورها، هنر، موسیقی و سایر دستاوردهای تفکر انسانی که به وسیله ی گروهی از مردم در زمانی خاص به وجود آمده است). بنابراین، هویت فرهنگی همان نقشی است که فرد در حوزه عادات و باورها ایفا می کند. (باستانی، ۱۳۷۲، ۴۳-۴۱)

برخی هویت را پدیده یا حالتی توصیفی ناشدنی در نظر می گیرند زیرا هویت در نظر برخی صرفاً یک احساس است نوعی احساس استقلال و این که یک من یاما وجود دارد. در یک تعبیر دیگر هویت مجموعه عناصری از شخصیت فرد است که به وی امکان می دهد تا موضع خود را نسبت به جهان و دیگران مشخص کند.

فرد صاحب هویت تصویر خاص و روشن از خود و جامعه و جهان داشته و دارای نظام ارزشی معینی است که در آن خوب ها، بدها و باید و نبایدها هر یک جایگاه خود را دارند. این فرد در قبال مسائل و مشکلاتی که با آنها رو به رو می شود بلاتکلیف نیست. فرد و جامعه ای که دارای هویت باشد در واقع معیاری درونی دارد.

در علوم انسانی یکی از ویژگی های شخصیت، احساس هویت است و آن عبارت است از احساسی که انسان نسبت به استمرار حیات روتین خود دارد. یگانگی و وحدتی که فرد در مقابل اوضاع و احوال متغیر خارج در حالت روانی خود احساس می کند، از ویژگی های هویت مستحکم انسان است. هویت زمانی مطرح میشود که انسان با «غیر» مواجه شود. این «غیر» می تواند جامعه ای دیگر، طرز تفکرهای مختلف و نقش های جدیدی باشد که انسان به عهده می گیرد. تا زمانی که زندگی به یک شکل و صورت ادامه می یابد و فرد یا اجتماع خود را با غیر مقایسه نمی کند، احساس تفاوت، اختلاف و هویت و شخصیت پدیدار نخواهد شد. تا هنگامی که غیری نباشد انسان به همه ویژگی خود آگاه نمی شود و هویتی در میان نمی آید. (سینایی، ۱۳۷۰، ۴)

۲-۱-۲ هویت زن

زن در عرصه‌ی پهنای جهان‌ها پیوسته زن بوده است و در همه‌جا این جهان و از آغاز پیدایش بر زمین، فارغ از زمان و مکان و نژاد و رنگ و آیین، بار مسئولیت ویژه‌ای را بر دوش داشته است: زادن، پروردن و به بلوغ رساندن و این بخشی از حیات زن است که انکار و چون و چرا نمی‌پذیرد؛ در حقیقت، هویت جویی برای زن در ورای این بخش از زندگی و این امتیاز ویژه‌ی او صورت می‌گیرد. اثبات حضور زن در کنار مرد در تکوین تمدن بشری، نه به صورت یک تقابل بلکه واقعیت و حقیقتی است که می‌تواند روزه‌ای برای کشف حقیقت دیگر یعنی اهمیت و نقش زن و توانایی و آگاهی برای رویارویی با جهان امروز باشد. زن ایرانی نیز همچون زن خاورمیانه‌ای و حتی دیگر هم‌جنسان در سراسر جهان چهارچوب‌های کهن را شکسته و از محدوده‌های آشنای دیرپای خودگام به جهانی دیگر گزیده است و ارزشهای نوینی را طلب می‌کند.

زن در ابتدایی‌ترین چهره زندگی، مادر است. این مادر باید خود را بشناسد.

در جستجوی هویت اجتماعی زن باید به کجا رفت؟ درکوشش برای یافتن پاسخ درست این سوال باید ابتدا به سوی شناخت هویت انسان گام برداریم. مراد انسانی است که شکوه و عظمتش در پیمودن راه دشوار در راستای انسان شدن است.

حقیقت این است که انگیزه پرسش (من کیستم؟) از بسی دورتر آغاز شده است. هر چند انسان با افسانه‌های گوناگون آفرینش را در پاسخ به یافتن پرسش و جستجوی اصل خویشتن به وجود آورده است، ولی در عمل و به خصوص پس از پیدایش شهرنشینی و تشکیل قدرت متمرکز و پیدایش تفکرات و ادیان متفاوت و گذشت ایام، اهمیت رسیدن به پاسخ این سوال را فزونی بخشیده است، چون انسان چه زن و چه مرد همواره به دنبال یافتن پاسخ سوالاتی است که هویت، شخصیت و فردیت را برای او روشن کند. پاسخ سوال کمی است به یافتن جایگاه اجتماعی او در جامعه‌ای است که زندگی می‌کند. آنچه غیرقابل انکار است این است که www.Aftab.ir است که جایگاه هویتی زن با گذشت ایام کمرنگ تر شده است.

در ادیان متفاوت و حتی در باورها و عقاید کهن زن و مادر جایگاه بسیار ویژه‌ای در نزد مردم داشته‌اند.

پرستش مادر - خدایان گویای جایگاه هویتی زن در ادوار گذشته است.

در ادیان توحیدی توجه بسیاری به زن شده است.

تقدس جایگاه زن در آیین زرتشت از آنجا بارز است که زن کاملاً برابر با مردان دانسته شده است. اهورامزدا شش ویژگی دارد، خرد مقدس، نظم و قانون، قدرت و توانایی نشانه از روح مذکر و سه ویژگی عشق، کمال و رسایی و جاودانگی به روح زنانه او اختصاص دارد.

در دین زرتشت قبل از مسیحیت شاهد تثلیث هستیم، تثلیث زرتشت حول اهورامزدا، میترا (روح مردانه/ آفتاب و گرمی) و آناهیتا (روح زنانه/ آب پاک و مبرا) شکل می‌گیرد.

در اوستا آمده است: زن و مرد با هم پیمان همسری می‌بندند تا فرزندان به دنیا بیاورند که به نیروی نیکی کمک کنند و با نیروی بدی مبارزه کند تا زمینه ظهور فراهم شود زن در اوستا به روشنی و فروغ خانه تشبیه شده است.

(www.shahrazad.com در دین مبین اسلام در آیات متمادی قرآن کریم می‌توان به جایگاه ارزشی هویت زن پی برد.)

اسلام بیان می‌کند که زن نیز مانند مرد انسان است و هر انسانی چه مرد و چه زن فردی است از انسان که در ماده و عنصر پیدایش او دو نفر انسان نر و ماده شرکت و دخالت داشته‌اند و هیچ‌یک از این دو نفر بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوا، همچنان که کتاب آسمانی خود می‌فرماید:

هان ای مردم، ما یک یک شما را از نر و ماده آفریدیم، و شما را شعبه و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید و بدانید که گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شما است. «سوره حجرات، آیه ۱۳»

بطوری که ملاحظه می‌کنید قرآن کریم هر انسانی را موجودی گرفته شده و تالیف یافته از دو نفر انسان نر و ماده می‌داند که هر دو به طور متساوی ماده‌ی وجود و تکوین او هستند و انسان پدید آمد، (چه مرد باشد و چه زن) مجموع ماده‌ای است که از آن دو فرد گرفته شده است.

قرآن کریم در معرفی زن مانند آن شاعر فرمود: «وانما امهات الناس اوعیه»

مادران تنها و تنها صدف و ظرف پیدایش انسانها هستند.

و مانند آن دیگری فرمود: «بنونا بنوا ابناؤنا؛ بنوهن ابناؤ الرجال الاباعد»

فرزندان پسران ما، فرزندان خودمان هستند و اما فرزندان دختران ما، فرزند مردمی بیگانه اند. بلکه هر فرد از انسان (چه دختر و چه پسر) را مخلوقی تالیف یافته از زن و مرد معرفی کرد، در نتیجه تمامی افراد بشر امثال یکدیگرند و بیانی تمام تر و رساتر از این بیان نیست و بعد از بیان این عدم تفاوت، تنها ملاک برتری را تقوا قرار داد.

و نیز در جای دیگر فرمود:

«انی لااضییع عمل عامل منکم من ذکر او انثی، بعضکم من بعض:

من عمل هیچ عامل را ضایع و بی نتیجه نمی کنم چه مرد و چه زن، بعضی از شما از بعضی دیگر هستید.

«سوره آل عمران، آیه ۱۹۵»

در این آیه به صراحت فرموده که کوشش و عمل هیچکس نزد خدا ضایع نمی شود و این معنا را تعلیل کرده به اینکه چون بعضی از بعض دیگر هستید و صریحاً نتیجه آیه قبلی که می فرمود: «انا خلقتکم من ذکر و انثی...» (سوره حجرات، آیه ۱۳)

را بیان می کند و آن این است که مرد و زن هر دو از یک نوع هستند و هیچ فرقی در اصل خلقت و بنیاد وجود ندارند.

آنگاه همین معنا را هم توضیح می دهد به اینکه عمل هیچ یک از این دو صنف نزد خدا ضایع و باطل نمی شود و عمل کسی به دیگری عاید نمی گردد، مگر اینکه خود شخص عمل خود را باطل کند. و به بانگ بلند اعلام می دارد: «کلنفس بما کسبت رهینه» (هر کسی در گرو عمل خویش است. سوره مدثر آیه ۳۸)، نه مثل مردم قبل از اسلام که می گفتند:

«گناه زنان به عهده خود آنان و عمل نیک شان و منافع وجودشان مال مردان است!»

پس وقتی به حکم این آیات، عمل هر یک از دو جنس مرد و زن (چه خوب و چه بد) به حساب خود او نوشته می شود و هیچ مزیتی جز با تقوا برای کسی نیست و با در نظر داشتن اینکه یکی از مراحل تقوا، اخلاق فاضله (چون ایمان با درجات مختلفش و چون عمل نافع و عقل محکم و پخته و اخلاق خوب و صبر و حلم) است، پس یک زنی که درجه ای از درجات بالای ایمان را دارد و یا سرشار از علم است و یا عقلی پخته و وزین دارد و یا سهم بیشتری از فضائل اخلاقی را دارا می باشد، چنین زنی در اسلام ذاتاً گرامی تر و از حیث درجه بلندتر از مردی است که هم طراز او نیست، حال آن مرد هر که می خواهد باشد، پس هیچ کرامت و مزیتی نیست، مگر تنها به تقوا و فضیلت.

و در معنای آیه قبلی بلکه روشنتر از آن آیه زیر است که می فرماید:

آن عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مومن فلنحیینه حیوه طیبه، و لنجزینهم اجرهم با حسن ما قالوا یعملون»

هر آن کس که عمل صالح بجا آورد، چه مرد باشد و چه زن، به شرطی که عملش توأم با ایمان گردد، بر اوزندگی طیب و پاکی داده و اجرشان بر طبق بهترین عملی که می کردند می دهیم. «سوره نحل، آیه ۹۷»

و نیز آیه زیر است که می فرماید:

«و من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مومن فاولئک یدخلون الجنة، یرزقون فیها بغير حساب» و هر کس عملی صالح کند، چه مرد باشد و چه زن، به شرط اینکه ایمان داشته باشد، چنین کسانی داخل بهشت می شوند بدون حساب روزی خواهند داشت. «سوره مومن، آیه ۴۰»

و نیز آیه زیر است که می فرماید:

«و من یعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو مومن فاولئک یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیراً» و کسی که عملی را از اعمال صالحه انجام دهد، چه مرد باشد و چه زن، البته به شرط آنکه دارای ایمان باشد، چنین کسانی داخل بهشت می شوند و به اندازه خردلی ستم نمی شوند. «سوره نساء، آیه ۱۲۴»

علاوه بر این آیات که صریحاً تساوی بین زن و مرد را اعلام می کند، آیات دیگری هست که صریحاً بی اعتنایی به امر زنان را نوهش نموده از آن جمله می فرماید :